

در محکومیت سرکوب خواهران و برادران افغانی پناهنده در ایران،

توسط حکومت اسلامی ایران !

احمد نوین

چندین روز قبل رفتارهای غیر انسانی حزب الله و نظاره گری نیروهای انتظامی ایران در اعمال ترور و خفقان به خواهران و برادران پناهندگان افغانی در شهر یزد، حمله به خانه های خواهران و برادران پناهندگان افغانی، تخریب برخی خانه ها و به آتش کشیدن برخی خانه های دیگر، ضرب و شتم وحشیانه پناهندگان افغانی اعم از زن و مرد و کودک که توسط رسانه های همگانی در جهان گزارش شد، تصاویر و فیلم های این اعمال جنایتکارانه هم که در یوتوب منتشر شد دل هر انسانی که شایسته این نام باشد را بدر آورد.

پس از انتشار خبر سرکوب وحشیانه پناهندگان افغانی ها توسط حزب الله در یزد، دقایقی به وضعیت ایرانیان و پناهندگان ایرانی در کشورهای پناهنده پذیر از جمله در اروپا اندیشیدم.

در اینجا ایرانیان و پناهندگان ایرانی بدرجات مختلف از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با اهالی این سرزمین ها برخوردارند. این پناهندگان برحسب شرایط شان حق دارند در انتخابات شهرداری ها و یا پارلمان های کشور محل اقامتشان شرکت نمایند. قانوناً در رابطه با حقوقی نظیر ؛ آموزش و پرورش، دارو درمان، مسکن، حقوق نسبتاً مکفی دوران بیکاری، حق ایجاد تشکل های مستقل سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی، از مزایای مساوی با اهالی کشور محل اقامتشان برخوردار هستند.

ایرانیان و پناهندگان ایرانی برای بیان نظراتشان، حتی مخالفت با دولت های کشور محل اقامت شان مورد سرکوب قرار نمیگیرند. این حقوق را مبارزات حق طلبانه، آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر و زحمتکشان این کشورها بوجود آورده است.

در رابطه با حقوق اجتماعی بطور مثال، زمانی که فردی از اهالی کشور پناهنده پذیر با فردی از کشوری دیگر که در اینجا صاحب اقامت و یا اجازه کار نیست ازدواج میکند، پس از طی مراحل همسر او هم صاحب اقامت و اجازه کار در کشور محل اقامتش میشود. این را با وضعیت یک مرد افغانی که در ایران با یک دختر ایرانی ازدواج نموده است مقایسه کنید! زمانی که یک دختر ایرانی با یک فرد افغانی ازدواج میکند عملاً همه حقوق شهروندی خودش در ایران را از دست میدهد. فرزندان آنها قانوناً حق تحصیل در مدارس ایران را ندارند. در رابطه با دارو و درمان و ... از حقوقی برابر با اتباع ایرانی برخوردار نیستند.

حزب الله و مسئولین امور عموماً با چشم تحقیر به افغانی ها نگاه میکنند و سعی مینمایند که این دید غیر انسانی را در جامعه رواج بدهند. افغانی ها در ایران به پست ترین کارها گمارده میشوند و مجبورند در مقایسه با کارگران ایرانی، حقوق های کمتری را بپذیرند و اغلب بیشتر از ایرانی ها نیز مورد اجحاف قرار میگیرند.

در اینجا اما زمانی که گروههای فاشیست، نازیست و یا نژاد پرست به خارجی ها حمله میکنند، علیه خارجی ها تبلیغ مینمایند، خود جامعه و اغلب رسانه های همگانی با افشا افکار غیر انسانی خارجی ستیزان، از خارجی ها و خارجی تبارها دفاع مینمایند.

اما در ایران، بمجردی که تا یک افغانی مرتکب جرم و جنایت میشود، و یا در این مورد شایعه پراکنی میشود، حزب الله و حکومتیان از موقعیت سوءاستفاده مینمایند و آن جرم و جنایت را به حساب همه افغان ها مینویسند و اجحاف و خفقان بیشتری را به پناهندگان و اتباع افغانی مقیم ایران اعمال مینمایند و مردم را نیز تشویق میکنند که در این گفتارها و اعمال غیر انسانی با مقامات هم آواز شوند.

به طور مثال به اعمال و تبلیغات تفرقه افکنانه و جنایت کارانه حکومتیان و ارادل و اوباش تحت فرمان آنها توجه کنید. برای اجتناب از طولانی شدن مقاله تنها به ذکر چند مثال بسنده میکنم : در ششم تیرماه ۱۳۹۱ در روستای چهارستون از توابع سلماس در مرز ایران و ترکیه یک گروه از افغانی ها از سوی نیروهای نظامی به گلوله بسته شدند که در نتیجه ی آن ۱۸ نفر دردم جان باختند. در ماههای گذشته از ورود افغان های بی پناه به پارک صُفه اصفهان جلوگیری کردند، افغان های پناهنده را از شهرهای

مازنداران اخراج کردند و اخیراً نیز آنها را در شهر یزد با شلیک گلوله مورد تهاجم قرار دادند و با تخریب و به آتش کشاندن تعدادی از خانه های افغان ها، از آشیانه شان فراری دادند.

روحیه و فرهنگ درنده خو و ضد انسانی رژیم اسلامی ایران در دفاع از منافع سرمایه، در ایجاد تبعیض، در ایجاد و گسترش اختلاف مابین گروه های مختلف اجتماعی و غیره هر از چند گاهی در تهاجم به حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم ستمدیده، در تهاجم به حرمت انسانی فاجعه می آفریند. در حمله به کارگران و زحمتکشان، در حمله به زنان، جوانان و ملیت های ساکن ایران و آزادیخواهان و برابری طلبان و یا در ماجراجویی های خارج از مرزهای ایران و اکنون در تکرار سرکوب افغان های پناهنده در ایران.

واقعیت اینست که مسبب اصلی درد و رنج ها، بدبختی ها، نابسامانی های اجتماعی- اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه ما همین حکومت اسلامی ایران و سرمایه داران هستند. از جمله در بیکار سازی فله ای کارگران و زحمتکشان ایران.

البته قدرت های امپریالیستی هم با بهانه قرار دادن سیاست های ماجراجویانه حکومت اسلامی ایران در خدمت پیشبرد منافع خودشان با تحمیل محاصره اقتصادی به ایران در افزایش درد و رنج و محرومیت های مردم ستمدیده ایران ایفای نقش میکنند. اما از این واقعیت گریزی نیست که در ۳۳ سال گذشته این حکومت اسلامی ایران بوده و هست که سد مقدم راه پیشرفت و تعالی و رفاه کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و ملیت های ساکن ایران بوده است.

این حکومت اسلامی ایران است که با رواج نابرابری ها و تبعیض ها، رواج فساد، دزدی و اختلاس و به هدر دادن صدها میلیارد دلار درآمد نفت ایران و دیگر امکانات کشور، با گسترش سرکوب و تور اختناق بر سراسر کشور، با خودی و غیر خودی کردن مردم و طرد اکثریت مردم از دایره خودی ها و برخورداری افراطی خودی ها از همه نعم مادی و محرومیت اکثر مردم تحت ستم از امکانات رفاه و آزادی، باعث فرار مغزها از ایران شده اند. امری که تا بحال میلیاردها دلار بکشور ما ضربه زده است.

از این واقعیت گریزی نیست که در ۳۳ سال گذشته این حکومت اسلامی ایران بوده و هست که با سیاست های ارتجاعی و سودجویی های رهبر و دستگاهش، دولت ها و اعوان و انصارشان، فرماندهان سپاه پاسداران و بسیج و نهادها و ارگان های دیگر و جناح های رنگارنگ رژیم، خون ملت ما را به شیشه کرده و فقر و سیه روزی را به مردم کشور ما تحمیل کرده است.

حکومت اسلامی ایران تا کنون، نیمی از بنگاه های تولیدی کشور را ورشکسته نموده و بقیه بنگاه های تولیدی کشور را بوضعیتی انداخته است که تنها با ظرفیت ۳۰ تا ۵۰ درصد کار میکنند و در نتیجه علاوه بر همه خرابی های تمام دوران حکومت اسلامی در ایران در چندین سال گذشته هم چند میلیون نفر از کارگر و زحمتکش کشور ما بیکار و بی آینده شده اند.

به عنوان نمونه به گزارش منابع خبری فقط در دو هفته اخیر بیش از ۳۰۰۰ کارگر از کارخانه ها و واحدهای تولیدی اخراج شده اند. همینطور در هفته سوم خرداد امسال زندگی بیش از دوهزار کارگر بدلیل اخراج و بیکاری به نابودی کشیده شده است. سه کارخانه نساجی اصفهان در سه ماه گذشته تعطیل شده اند. به گفته حاتم شاهکرمی، رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارفرمایان صنایع نساجی استان اصفهان، در حال حاضر، یکصد هزار اصفهانی در این صنعت شاغل هستند و بی برنامهگی و عدم ارائه راهکارهای صحیح برای حل مشکل نساجی ها، این مشاغل را تهدید می کند.

رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت استان و نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان در پاسخ به اینها درباره ناهماهنگی آمار رشد صادرات نساجی ها با بحران و تعدیل ظرفیت آن ها گفت: مشکلات اقتصادی در همه بخش ها وجود دارد و مختص به صنعت و معدن هم نیست البته با توجه به اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، افزایش دامنه تحریم ها، بالابودن نرخ بهره بانکی و موارد دیگر، کار واحدهای تولیدی کُند شده است.

این در حالی است که رشد تصاعدی هزینه های کارگران و زحمتکشان، کمر آنها را زیر بار زندگی خم کرده است. علیرضا حیدری کارشناس مسایل اقتصادی در اصفهان نیز با تایید مشکلات روزافزون جامعه حقوق و دستمزد بگیر گفت: افزایش ۳۰٪ قیمت نان باعث افزایش هزینه های سبد خانوار کارگران به صورت تصاعدی می شود. وی یادآور می شود: بعد از اجرای مرحله نخست هدفمندی یارانه ها، قیمت بسیاری از کالاها از جمله نان افزایش یافت که به دلیل عدم ایجاد سیستم جبرای برای این افزایش قیمت، مشکلات زیادی متوجه کارگران و خانواده آن ها شده است.

جدول رسمی جمعیت شاغل و بیکار کشور نشان می دهد که تنها در سال گذشته ۵۰۰ هزار نفر بیکار شده اند. کارشناسان مستقل میگویند رقم واقعی بیکار سازی های در سال ۱۳۹۰ حداقل ۵۰٪ بیشتر از آمار رسمی است. زیرا که در جدول اشتغال دولت هرکس که در هفته حتی یک ساعت نیز کار کرده باشد- یعنی در طول ماه فقط ۴ ساعت کار کرده باشد- جزء شاغلین قلمداد شده اند.

در وضعیتی که چندین میلیون نفر کارگر و زحمتکش کشور ما در اثر سیاست های ارتجاعی رژیم بیکار هستند، اگر هم دولت فاشیست احمدی نژاد و همه خیمه خرگاه حکومت نیز موفق شوند برادران و خواهران افغانی ما را از ایران اخراج کنند، آیا کارخانه ها و کارگاههای تعطیل شده ایران شروع بکار میکنند؟

آیا سیل مواد اولیه مورد احتیاج صنعت و کشاورزی و صنایع نفت و غیره که بدون وجود آنها این صنایع تعطیل خواهند بود بسوی ایران روانه میشوند؟ مظفر چولمقانی دبیر انجمن صنفی کارفرمایان نساجی های اصفهان در این باره به ایلنا میگوید: بسیاری از کارخانه های نساجی، با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت خود به فعالیت ادامه می دهند.

مظفر چولمقانی میگوید مشکل اصلی، کمبود مواد اولیه است که عمدتاً در سالهای گذشته از خارج از کشور وارد میشد اما اخیراً با تحریم های جدید، برای خرید و واردات پنبه و الیاف مصنوعی دچار مشکل شده ایم.

آیا اگر برادران و خواهران افغانی ما را از ایران اخراج نمایند و اموال شان را نابود کنند، چپاول ها اختلاس ها و دزدی های هزاران میلیارد تومانی کارگزاران حکومت اسلامی ایران متوقف میشود؟

آیا اگر برادران و خواهران افغانی ما را از ایران اخراج نمایند، نابسامانی های اجتماعی در ایران متوقف میشود؟

در مورد افزایش بی سابقه نابسامانی های اجتماعی خالد توکلی، پژوهشگر و استاد جامعه شناسی مقیم سقز در مصاحبه با روز میگوید: این خشونت ها معلول رشد فزاینده جمعیت شهری، مهاجرت بی رویه از روستاها به شهرها، تقابل ارزش های سنتی و مدرن، ناهنجاری های اجتماعی و اهمیت ندادن به آزادی های فردی است که رویهمرفته باعث شده است، جامعه به سمت نوعی آشفتگی که خشونت زایی نتیجه آن است در حرکت باشد.

یکی از عوامل رشد بی رویه جمعیت در ایران همین مسئولین نظام بوده و هستند. یکی از عوامل مهاجرت بی رویه از روستاها به شهرها همین مسئولین نظام و عدم وجود امکانات کافی در روستاها، رقابت کالاهای وارداتی و از میدان بدر کردن کالاهای داخلی بوده است.

امروز حتی تخم مرغ چینی هم به تولیدات داخلی تخم مرغ در ایران ضربه زده است. همین چند وقت قبل در همین شهر یزد، مردم در تجمعی اعتراضی صدها هزار تخم مرغ وارداتی چینی را در انبارهای یزد خرد و خاکشیر کردند.

برای انحراف افکار عمومی در ایران عناصر مزدور حزب الله و بعضاً کسانی ناآگانه و فریب خورده میگویند که چون جنابیتی شده و آنرا منتسب به یک افغانی نموده اند، پس ما، یعنی حزب الله حق دارد به جان و مال افغانی های بیگناه دیگر تجاوز نماید. کاری که در هفته گذشته با حمایت مامورین انتظامی در شهر یزد اتفاق افتاد.

ابتدا شایع کردند که قاتل دختری که کشته شده یک افغانی بوده است. هنوز نه قاتل دستگیر و محاکمه شده، نه حکم دادگاهی این اتهام را اثبات نموده است! اما عده ای موجود رذل و عاری از احساس انسانی به خانه های افغان ها در یزد حمله کردند، تعدادی خانه را آتش زدند، تعدادی مردم مظلوم افغانی را بشدت کتک زدند، تعدادی مردم مظلوم افغانی را به بیابانهای بیرون شهر فراری دادند، تعدادی مردم مظلوم افغانی را مجبور کردند که در خانه آشنایانشان پنهان شوند. به فرض آنکه در این مورد یک افغانی نیز دست داشته باشد، مجازات امری شخصی است، نه گروهی!

این اعمال غیر انسانی را پیروان کسانی انجام میدهند که همین ۲ سال قبل جوانان کشور ما را که به نمایش انتخاباتی اعتراض داشتند در خیابانها و زندان ها کشته اند. در زندان کهریزک به جوانان معترض ما تجاوز جنسی کرده اند.

آیا اعمال شریانه حزب الله و مسئولان حکومت اسلامی ایران بر علیه افغان های پناهنده به ایران، اعمال کولوس کلان های نژاد پرست و فشیست امریکا در حمله به سیاه پوستان مظلوم امریکا را در ذهن ها زنده نمی نماید؟

آیا اینگونه اعمال شریانه، اعمال رذیلانه نازیست های آلمان هیتلری در گوته های شهر ورشو که یهودی های مظلوم را سرکوب مینمودند و از انجام هر عمل غیر انسانی در مورد یهودیان خودداری نمیکردند را در ذهن ها زنده نمیکند؟

البته با داشتن روحیه ضد انسانی و تروریستی و اعمال خفقان بر انسانهای بیگناه، حزب الله و بنیاد گرایان اسلامی و نوب در ولایت روح الله خمینی و یا علی خامنه، در مسیر همان سیاه جامگان فاشیست ایتالیای موسولینی، نازیست های پیراهن قهوه ای های آلمان هیتلری و یا خمرهای سرخ پلیوت کامبوجی گام بر میدارند. تمامی اینها روی همدیگر را در جنایت پیشه گی سفید کرده اند. از دیدگاه انسانی همه اینها پدیده های ضد انسانی هستند و جایگاهشان در ذباله دانی تاریخ است.

واقعیت این است که حکومت اسلامی ایران در تنگناهای اقتصادی- اجتماعی و سیاسی عمیقی گرفتار آمده است. مدتها است که تلاش مینماید با ماجراجویی های اتمی و تداوم درگیری با دولت های زیاده خواه و چپاولگر امپریالیستی و تشدید سرکوب در داخل ایران، توجه افکار عمومی را به چیز های دیگری جلب نماید. امری که غالباً با شکست روبرو شده است.

زیرا معضل عظیم بیکاری، تورم، افزایش قیمت ها و شکست طرح ارتجاعی هدفمند کردن پارانه ها و تشدید تبعیض ها در کشور، تداوم و گسترش اختلاس ها در داخل کشور، صندوق خالی دولت، بی ثباتی رژیم ضد تثبیت ولایت فقیه و تداوم سرکوب و خفقان و ترور و فجایع اجتماعی در جامعه اموری نیستند که دست اندکاران رژیم ایران بتوانند با خاک پاشیدن به چشم مردم ستمدیده ایران و افکار عمومی جهان این مشکلات عظیم را به حاشیه برانند.

برای تاکید در بر این واقعیت توجه شما را فقط به تیتیر چندین خبر جلب میکنم: بدهی دولت به چایکاران باز هم پرداخت نشد. آب معدنی ۴۰٪ گران شد. ۸ میلیون کودک در ایران در گیر اعتیاد هستند. ۱۰ میلیون ایرانی بزرگسال درگیر معضلات موادمخدر هستند. روزانه به طور میانگین ۱۰ نفر بر اثر سوء مصرف مواد مخدر جان خود را از دست می دهند.

حکومت اسلامی ایران، مسئولین و سخنگویان رژیم به جای خشکاندن ریشه های اعتیاد و حل مشکلات اقتصادی و بیکاری سعی در زیر خاک نمودن تمام کاستی ها دارند. امری که ناشدنی است. حتماً بخاطر ماورید که بگفته خود محمود احمدی نژاد، این برادران قاچاقچی سپاه و بسیج و کمیته ها هستند که در توزیع و فروش مواد مخدر و ترویج اعتیاد در ایران، دست بالا را دارند.

اگر میخواهید با گستردگی بیشتر اعتیاد بیشتر در ایران آشنا شوید، لطفاً بگزارشات منتشر شده در ایران توجه کنید تا به عمق جنایت پیشه گی و سود جویی های خانمان برانداز رژیم اسلامی و سرمایه داری ایران پی ببرید.

توجه شما را همچنان به تیتیر چندین خبر دیگر جلب میکنم: زن کشی در صدر قتل های خانوادگی قرار دارد. هجوم انواع متنوع فاضلابهای بیمارستانی، صنعتی، خانگی، رسوبات و سایر موارد به تالاب صومعه سرا. دریاچه ارومیه خشک تر شد. باز هم درآمد دولت ایران از صادرات نفت کاهش یافت. کاهش ۳۰ دلاری قیمت نفت ایران در ۸۰ روز. ۴۰۰ کارگر مبتکران بیکار شدند. در دنیا مردم تنها ۱۸٪ هزینه های سلامت را می پردازند // اما در ایران این رقم بیشتر از ۶۰ تا ۷۰ درصد می شود.

مرگ بیش از ۳۰۰۰ نفر در حوادث رانندگی دو ماهه اول امسال. واردات ۴ میلیون دلار میخ از چین و نگرانی ۱۵ کارخانه تولیدکننده میخ در داخل کشور. دست های پشت پرده در واردات بی رویه میوه به ایران. سهم ۴۰ درصدی قاچاق در بازار سیگار ایران.

توجه شما را به قیمت برخی از کالاها که مردم ستمدیده را کلافه تر کرده است نیز جلب مینمایم:

قیمت هر کیلوگرم گوشت قرمز ۲۵۰۰۰ تومان، قیمت هر کیلوگرم مرغ به ۶۰۰۰ تومان رسیده است، قیمت هر کیلوگرم برنج ۲۵۰۰ تومان، برنج هاشمی ۲۸۰۰ تومان، برنج طارم محلی ۳۲۰۰ تومان، قیمت هر بطری روغن ۳۵۰۰ تومان، قیمت هر کیلوگرم میوه به طور متوسط ۲۵۰۰ تومان، قیمت برخی از میوه ها خیلی بیشتر است مثلاً گیلان هر کیلو به قیمت ۸۰۰۰ تومان بفروش میرسد. قیمت هر قرص نان سنگک ۶۰۰ تومان، قیمت هر کیلوگرم سبزی خوردن ۱۰۰۰ تومان، قیمت هر بطری شیر

۱۵۰۰ تومان، قیمت هر بطری روغن مایع ۳۲۰۰ تومان، روغن نباتی جامد ۴ و نیم کیلویی ۱۱ هزار و ۲۰۰ تومان، شکر ۸۰۰ گرمی ۱۲۰۰ تومان، قند شکسته ۹۰۰ گرمی ۱۵۰۰ تومان، ماکارونی ۸۰۰ تومان است.

توجه کنید که چگونه تولیدات داخلی را از میدان بدر کرده اند و سپس اجناس وارداتی را به هر قیمت که زورشان برسد بفروش می‌رسانند. رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی سید رضا نورانی میگوید؛ افزایش واردات سیب و پرتقال در روزهای پایانی سال گذشته موجب دپوشدن محصولات ذخیره‌سازی شده است. تولید داخل در انبارها فاسد شدند و لذا این محصولات فاسد شده، خوراک دام شدند.

قیمت آب و برق و گاز و نفت و تلفن و اجاره بهاء و غیره: به نسبت سال گذشته چندین برابر و در مواردی چند ده برابر شده است. یعنی کمر شکن شده است.

این اطلاعات و اخبار باضافه صدها خبر مشابه اسفبار از کشورمان به ما می‌گوید که حکومت اسلامی ایران برای افزایش سود سرمایه و تامین منافع سرمایه داران و تداوم حیات ننگین خودش از انجام هیچ جرم و جنایتی فروگذار نکرده و سد مقدم پیشروی، بهروزی و رفاه جامعه، بویژه کارگران و زحمتکش‌ان، زنان، جوانان و ملیت‌های ساکن ایران است. تحریم‌ها و محاصره اقتصادی ایران توسط قدرت‌های امپریالیست‌ها نیز مثل مبنی پر قدرت دارد پروسه درهم پاشیده شدن جامعه ما را تسریع مینماید.

با وجود اینکه فقط ۱۰ روز از آغاز تشدید تحریم‌ها علیه ایران گذشته است، درآمد دولت از صادرات نفت به کمتر از نصف رسیده است. امری که مطابق معمول فشار آن را دولت به مردم ستم‌دیده ایران تحمیل نموده است. خود علی خامنه‌ای هم هفته گذشته بناچار اعتراف کرد که تحریم‌ها قصدش ذله کردن مردم است. اینرا رژیم ایران میداند، اما برای حفظ قدرتشان و منافع‌شان، ککشان نیز نمی‌گذرد.

برای منحرف کردن افکار عمومی از همه این بحران‌های خانمانسوز در جامعه است که ایادی رژیم هر روز دست به ماجراجویی جدیدی می‌زنند. از جمله تهاجم و اعمال ترور و وحشت در رابطه با کارگران، زنان، جوانان و ملیت‌های ساکن ایران و یا حمله و سرکوب برادران و خواهران مظلوم پناهنده افغانی در ایران.

باید همه انسان‌های مدافع حرمت انسانی، مدافع آزادی، برابری و رفع تبعیض در داخل و خارج از ایران با صدای بلند و با بسیج نیرو به این ماجراجویی‌های حکومت اسلامی ایران، به تشدید شرایط غیر انسانی به برادران و خواهران افغانی پناهنده در ایران اعتراض کنند. مخالفت با خفقان ارتجاعی و فاشیستی وظیفه همه ما است. باید با آگاهگری و بسیج افکار عمومی در این عرصه نیز رژیم فاشیستی- مذهبی ولایت فقیه را بعقب برانیم.

برای پایان دادن به بحران‌های اقتصادی- اجتماعی- سیاسی و فرهنگی جامعه، برای پایان دادن با تقسیم کشور به خودی‌ها و غیر خودی‌ها، برای متوقف کردن سرکوب‌ها و خفقان‌ها در درجه اول میبایست مردم ستم‌دیده ایران خودشان را سازماندهی نمایند، آگاهتر شوند، مبارزه مخفی و علنی را تلفیق نمایند، از مبارزات و خواست‌های آزادیخواهانه یکدیگر حمایت نمایند، در تشکل‌های مستقل و متکی به نیروی خودشان متشکل شوند و با اعتصابات در محل کار و زندگیشان چرخ تولید را متوقف کنند و عاقبت این رژیم قرون وسطائی را سرنگون و نظام مبشر آزادی و برابری و تامین‌کننده رفاه و آسایش عمومی را بر پا نمایند.

در چنان موقعیتی و در آن زمان، امپریالیست‌ها نیز جرئت حمله به ایران و تداوم محاصره ایران را نخواهند داشت.

فراموش نکنیم؛ ملت سازمان داده شده، ملت مصمم، آزادیخواه و برابری طلب، منشاء همه قدرت‌ها است.

دوشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱ برابر با ۹ جولای ۲۰۱۲